فصلنامه تحلیلی- پژوهشی

تاثیرات تحولات خوشنویسی (خط ثلث) بر کتیبه نگاری ابنیه اسلامی ایران سده چهار تا نهم هجری

مهدی صحراگرد * علی اصغر شیرازی * *

تاریخ دریافت مقاله : ۸۷/۸/۱
تاریخ پذیرش مقاله : ۸۹/۲/۱۲

چکیده

کتیبه نگاری و خوشنویسی هریک بر اساس تعریف و کاربردشان سیر تحول و تکامل ویژه ای دارند. خط ثلث یکی از قلم های اصلی کتابت قرآن و کتیبه نگاری در ایران است. تحولات خط ثلث در خوشنویسی بر تحولات کتیبه نگاری تا حد زیادی موثر بوده و به نظر می رسد بیش ترین تحولات مربوط به سده چهار تا نهم هجری می باشد. در این مقاله سیر تحول و تکامل خط ثلث و مقایسه آن با تحولات کتیبه نگاری ثلث در این دوره مورد بررسی قرار گرفته و سعی شده بخشی از میزان تاثیر پذیری کتیبه نگاری از خوشنویسی آشکار شود.

واژگان کلیدی

خوشنویسی، کتیبه نگاری، معماری اسلامی، تزیینات معماری، ایران.

---

*کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه هنر دانشگاه شاهد تهران، استان تهران Email: sahragard-mn@yahoo.com
** عضو هیأت علمی و استادیار دانشکده هنر دانشگاه شاهد تهران، استان تهران Email: A.shirazi41@yahoo.com

مقدمه

اغلب کتیبه را نوشته ای می دانند که به خط جلی بر دوره دیوار مساجد، مقابر و اماکن متبرکه یا سر در دروازه ها و غیره نویسند یا نقش کنند. (دهخدا،۱۳۶۳،ذیل کتیبه) کتیبه را گذشتگان کتابه می گفتند.(فضایلی،۱۳۸۷، ۱۳۰)افزون بر این ها کتیبه نگاری در هنرها و صنایع دیگر همچون کتاب آرایی، سفال گری، فلز کاری و حتی قالی بافی نیز کاربرد دارد اما کاربردش در معماری اسلامی وسیع تر است. به علت رابطه بسیار نزدیک خوشنویسی و کتیبه نگاری در هنر و معماری اسلامی، تاثیر آن ها بر هم زیاد بوده است؛ به طوری که حتی برخی محققان این دو را با هم بررسی می کنند، در حالی که خوشنویسی و کتیبه نگاری هم در کاربرد و هم در سیر تحول و تکامل تفاوت هایی دارند.[۱] گمان می رود با بررسی و مقایسه سیر تحول این دو هنر در دوره هایی از هنر ایران اسلامی به شناخت ویژگی هایی از کتیبه نگاری دست یافت که از خوشنویسی متاثر بوده است. هدف از این بررسی ها نخست شناسایی مرز افتراق و اشتراک این دو هنر در قواعد کتابت و به دنبال آن تعیین معیارهای دقیق برای کارشناسی و تعیین کیفیت هنری کتیبه های اسلامی است. در میان خطوط کتیبه نگاری خط ثلث جایگاهی ویژه دارد، چنان که در بررسی اجمالی آثار به جا مانده می توان گفت از اواخر سده ششم هجری کتیبه نگاری ثلث رو به فزونی گذاشت و از آن به بعد مهم ترین خط در کتابت متون عربی در کتیبه نگاری بناهای اسلامی بود. کتیبه های ابنیه مربوط به پیش از این زمان همه به خط کوفی کتابت شده اند از این رو بر اساس بررسی های این تحقیق کتیبه ای از سده چهارم و پنجم هجری که به خط ثلث باشد در دست نیست.

برای بررسی خوشنویسی و کتیبه نگاری ثلث بهتر است در آغاز چگونگی و تحولات خط ثلث مورد مطالعه قرار گیرد و پس از آن ویژگی ها و عوامل زیر را در کتیبه نگاری ثلث از سده چهارم تا پایان دوره تیموری به طور جداگانه بررسی نمود:

الف. تاثیر مواد و فن اجرا بر گونه گونی کتیبه های ثلث.

ب: ویژگی های خط ثلث در طراحی کتیبه ها.

ج. کتیبه نگاران و خوشنویسان ثلث.

نگاهی به تحولات خط ثلث در خوشنویسی

از آن جا که اظهارات تاریخ نگاران و محققان پیشین درباره آغاز پیدایش قلم های عربی در آغاز اسلام نامشخص و ناقص است تطبیق این گفته ها برای رسیدن به واقعیت نیازمند تحقیقی مفصل است. پیدایش خط ثلث نیز از آن بحث هایی است که با ابهاماتی بسیار مواجه است. اما بر اساس بررسی های محققان معاصر به طور خلاصه شجره نامه خط ثلث چنین است:

کوفی، جلیل، دیباج، طومار، ثلثین و مختصر طومار، نصف، ثلث، خفیف ثلث، که اکنون به جز قلم ثلث قلم های دیگر در میان نیستند.(فضایلی،۱۳۶۱، ۲۲۷)

در باره نام گذاری ثلث نیز در میان صاحب نظران اختلاف است؛ عده ای این نام را به دلیل درجه بندی اش بر اساس یک سوم سطح و دوسوم دور می دانند و گروهی دیگر معتقدند به اعتبار یک سوم مساحتی(عرض قلم) که نسبت به قلم طومار دارد بدین نام مشهور گشته است.(همان)

محمدبن مقله بیضاوی در سده چهارم هجری قمری شکل حروف قلم ثلث را به وجود آورد و آن را به منزله خطی مستقل مطرح کرد. ابن بواب قواعد آن را در اواخر سده چهارم و سال های آغازین سده پنجم استحکام بخشید و اصلاحاتی در آن پدید آورد و در سده هفتم هجری یکی از مهم ترین خطوطی بود که یاقوت مستعصمی بدان می نوشت و اصلاحاتی ویژه در آن اعمال کرد که به شیوه یاقوتی مشهور شد. مهم ترین اقدام یاقوت مستعصمی در تکامل قلم های ششگانه این است که وی در تراش قلم، قط محرف را رایج کرد به این ترتیب او و شاگردانش اگرچه پیرو اصول کلی و اسلوب بزرگ ترین استاد پیشین یعنی ابن بواب بودند، آثارشان ظرافت و نزاکت خاصی دارد. یوسف مشهدی، ارغون کاملی، شیخ احمد سهروردی، نصرالله طبیب، سید حیدر گنده نویس، مبارکشاه زرین قلم و احمد رومی شاگردان معروف یاقوت بودند. شاگردان آن ها نیز هم چون عبدالله صیرفی، یحیی صوفی جمالی، پیر احمد شیرازی، معروف بغدادی، جعفر بایسنغری، عبدالله طباخ هروی و غیره خوشنویسان سده هشتم و اوایل سده نهم بودند که با واسطه از شاگردان یاقوت به شمارمی روند. نقش برخی از این هنرمندان در آموزش و رواج خطوط ششگانه به قدری است که «سلسله استادی خوشنویسان خراسان را به عبدالله صیرفی و خطاطان عراق را به یحیی صوفی» می رسانند.[۲]

اغلب هنرمندان یاد شده در کتیبه نگاری ثلث نیز دست داشتند از آن جمله عبدالله صیرفی است که کتیبه های بسیاری را در تبریز و عراق نوشت و نیز یحیی صوفی که کتیبه هایی در تخت جمشید و خدایخانه مسجد جامع عتیق شیراز از او به جا مانده است. از دیگر خوشنویسانی که پس از این زمان فعالیت می کردند و در کتیبه نگاری ثلث نیز دست داشتند می توان از دو شاهزاده تیموری ابراهیم سلطان و بایسنغر میرزا نام برد که آثار آن ها به ترتیب کتیبه های آرامگاه حضرت علی بن حمزه در شیراز[۳] و کتیبه ایوان مقصوره مسجد جامع گوهرشاد مشهد است.

نگاهی به کتیبه نگاری ثلث

آثار به جا مانده از گذشته نشان می دهد که از اواسط سده ششم هجری قمری، خط ثلث کم کم در کتابت بخش هایی از متن کتیبه ها به کار رفته است. در آغاز مهم ترین خط

۱- به عنوان مثال در استنساخ که یکی از مهم ترین بسترهای خوشنویسی است سرعت در کتابت از اهمیت زیادی برخوردار است در حالی که این ویژگی در کتیبه نگاری اهمیتی ندارد.

۲- در گذشته نیمه غربی ایران را عراق عجم می گفتند و به نظر می رسد منظور از خطاطان عراق خوشنویسانی است که در نیمه غربی ایران اعم از فارس و اصفهان و آذربایجان و غیره فعالیت می کردند.(عالی افندی،۱۳۶۹، ۷۱)

۳- هرچند عده ای خط برخی از این کتیبه ها را محقق می دانند، برخی ویژگی ها هم چون انحنا و قوس زیاد دوایر و شکل خاص برخی حروف مانند «م» مدور از ثلث بودن خط آن ها حکایت می کند. البته گروهی برای جلوگیری از اشتباه خط این کتیبه ها را محقق آمیخته به ثلث می دانند.

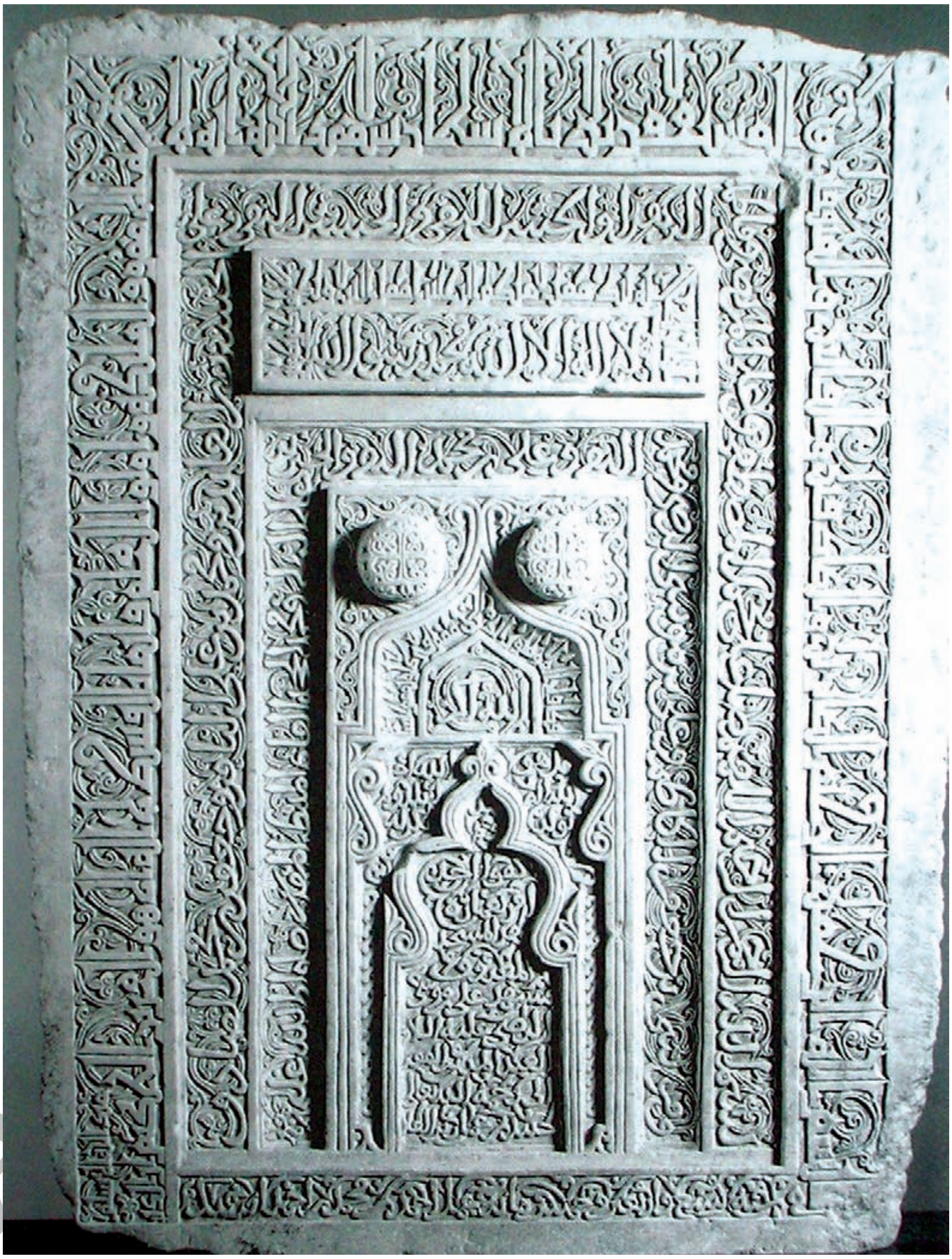

تصویر۱- کتیبه سنگ قدمگاه مسجد توران پشت به خط کوفی گلدار و ثلث و نسخ، حجاری شده، سده ششم هجری قمری، ماخذ تصویر: عبدالله قوچانی

کتابت کتیبه ها کوفی بود که پس از وضع قلم های ششگانه در سده چهارم و رواج آن در کتابت مصحف ها و دیگر متون به تدریج در کنار کوفی از خط ثلث نیز در کتیبه نگاری استفاده می شد. نمونه هایی هم چون کتیبه ثلث و کوفی و نسخ محراب مسجد توران پشت (سده ششم) گواه این سخن است. برای آگاهی از روش بررسی کتیبه ها در این تحقیق، چند کتیبه به عنوان نمونه از دوره های مختلف بررسی می شود:

الف. سنگ قدمگاه مسجد توران پشت[۱]

در گالری فریر واشنگتن یک سنگ کتیبه وجود دارد با تاریخ ۵۴۹هجری قمری، این سنگ به دستور الجنید بن عمار بن العلا حاکم توران پشت ساخته شده و متن آن از تعمیر مسجدی به نام مشهد علی بن موسی الرضا حکایت می کند. این سنگ ده کتیبه دارد که اغلب آن ها آیاتی از قرآن است و در دو حاشیه آن صلوات بر ائمه است.(قوچانی،۱۳۸۳، ۳۹-۳۶)

کتیبه حاشیه بزرگ و طاق نمای کوچک محراب به خط

---

[۱] ۱- توران پشت که در تلفظ عامه آن را «تورون پشت» می خوانند از آبادی های بسیار کهن و معتبر شهر یزد است و معدن سنگ مرمر آن شهرت زیادی دارد. در تواریخ یزد نام گذاری این شهر بر اساس مناسبت لفظی به توران دخت ساسانی نسبت داده شده است.(افشار،۲۷۲)

کوفی نوشته شده است. نحوه طراحی و اجرای این دو کتیبه بسیار دقیق است. حاشیه دوم محراب به خطی شبیه به ثلث کتابت شده اما عاری از ظرافت ها و تناسباتی است که در خط ثلث نویسان همان دوره مشاهده می شود. خط حاشیه سوم، همانند حاشیه دوم است زیرا ادامه همان متن است. در وسط محراب که نام بانی به خط نسخ آمده تقریبا هیچ نشانی از رعایت قواعد خوشنویسی در آن مشاهده نمی شود. همچنین رقم اثر در قسمت پایین محراب نوشته شده است.

ب. محراب الجایتو

این محراب در شبستان ضلع شمالی ایوان غربی، معروف به شبستان محراب الجایتو، واقع و طبق کتیبه گچ بری آن، در سال ۷۱۰ هجری قمری به روزگار الجایتو و وزیرش محمد ساوی به اهتمام عضد بن علی ماستری ساخته شده و گچ بر آن نام خود را با امضای «عمل حیدر» بر آن نهاده است.

به جز کتیبه پیشانی طاق نمای محراب که به خط کوفی می باشد بقیه کتیبه ها به خط ثلث است. شیوه اجرای تزیینات و نقوش گیاهی محراب به روش محراب های عهد ایلخانی است. کتیبه حاشیه بزرگ محراب یک طبقه و سواد و بیاض یکسانی دارد. الف ها نسبتا بلند است و در کتابت برخی از حروف و واژه ها از رعایت برخی از قواعد خوشنویسی عدول شده، مثلا کوتاه نوشتن «ی» معکوس در واژه «بنی» و غیره.

کتیبه حاشیه کوچک نیز تقریبا همین ویژگی ها را دارد. کتیبه ای که در وسط طاق نمای بزرگ محراب نوشته شده تقریبا ویژگی های خط ثلث را ندارد و کمی به قلم توقیع می ماند. نکته دیگر این است که تمام نقطه ها در نوشته های این محراب دایره ای است. این کار در کتیبه نگاری بسیار رواج دارد و نمونه های زیادی از کتیبه های ثلث، این گونه نقطه گذاری شده است.

کتیبه مسجد عتیق شیراز

کتیبه ای به خط ثلث در طاق نمای ضلع جنوبی مسجد عتیق شیراز اجرا شده که بدون رقم و تاریخ است. معنای متن این کتیبه مشخص نیست اما آن چه که خوانده می شود چنین است: «طرح هر اساس وسیع کریاس که مهندس تیز حدس صحیح القیاس که ذیقطا». (علی نقی، ١٣٤٢، ٣٤)

موضوع مهم درباره این کتیبه آن است که متن چند بار تکرار شده و این کار در کتیبه های ثلث غیر معمول است.

شیوه اجرای این اثر به روش نقاشی بر گچ است و فضای بین نوشته ها نیز به همراه تزیینات گیاهی رنگ آمیزی شده است. اگرچه تاریخ نگارش، نام کاتب و آغاز و انجام این کتیبه را به علت ریختگی نمی دانیم، اما شاید بتوان زمان ساخت آن را به حدود اواخر سده هشتم و اوایل سده نهم نسبت داد، زیرا شیوه خط ثلث به کار رفته در این کتیبه شبیه به آثار هنرمندان کتیبه نگار این دوره می باشد. به این صورت که الف ها و حروف عمودی نسبتا بلند نوشته شده و ترکیب بندی آن در دو طبقه استوار است اما کرسی سطر بالا کمی نامرتب تر است. این شیوه ترکیب بندی در سده هشتم بسیار رواج داشت. نمونه های مشابه این ترکیب بندی را در دوره های بعد نیز می توان دید اما شیوه کتابت مفردات و کشیدگی الف ها نشان دهنده روش کار هنرمندان سده هشتم و نهم هجری قمری است. همچنین دلیلی بر این ادعا است که شیوه فنی اجرای این اثر به روش نقاشی روی گچ بوده و این شیوه معمول اجرای کتیبه ها در سده هفتم و هشتم هجری قمری است چنان که کتیبه بناهایی هم چون گنبد سلطانیه (۷۱۰هجری قمری) و مدرسه رکنیه در یزد (حدود نیمه نخست سده هشت هجری قمری) نیز این روش اجرا شده است.

ج. کتیبه سنگی در آرامگاه حضرت علی بن حمزه شیراز

ابعاد این کتیبه سنگی که بر سردر ورودی به صحن از طرف درون آرامگاه حضرت علی بن حمزه شیراز نصب شده ۸۰ × ۲۰۰ سانتی متر است و آیه ای از قرآن کریم به رقم «کتبه ابراهیم سلطان» دارد. متن این کتیبه چنین است: «قیل الابراهیم علیه السلام بما اتخذک الله خلیلاً قال ما تغدیت و ما تعشیت الا مع الضیف- کتبه ابراهیم سلطان».

خط ثلث این کتیبه الف هایی بلند دارد و بر دو طبقه استوار است. حروف در سطر بالا تراکم کم تری دارد و از نظر سواد و بیاض یکنواخت نیست. رقم هنرمند در قسمت چپ و به صورت عمود بر کرسی با قلمی خفی تر نوشته شده است. در ترکیب بندی واژه «مع» بر هیچ یک از کرسی بندی ها استوار نیست.

د. کتیبه سردر بیت الشتا در مسجد جامع اصفهان

خط ثلث این کتیبه هم مانند آثار دیگر همین دوره الف های بلند و کشیده دارد. نوشته ها اغلب در دو طبقه اصلی استوار است. سواد و بیاض سطر دوم (بالایی) در وسط عرض کتیبه یکسان نیست. نام سلطان محمد (پسر بایسنقر) در وسط کتیبه با کاشی زرد نوشته شده است. مفردات این کتیبه کاملا به شیوه خوشنویسی آن عهد است.

بررسی معیارها

الف. تاثیر مواد و فن اجرا بر گونه گونی کتیبه ها

به طور کلی بر اساس آثاری که پیش تر بررسی گردید و نیز تحلیلی که بر آثار معرفی شده در جدول پایانی انجام گرفته می توان دریافت مواد و فن اجرا در کیفیت خوشنویسی کتیبه های ثلث موثر نیست. به عبارت دیگر تفاوت شیوه اجرا در کتیبه نگاری ثلث سبب نمی شود که کاتب در نحوه کتابت تغییراتی اعمال کند. در حالی که در کتیبه های کوفی تفاوت در مواد و شیوه اجرا در طراحی

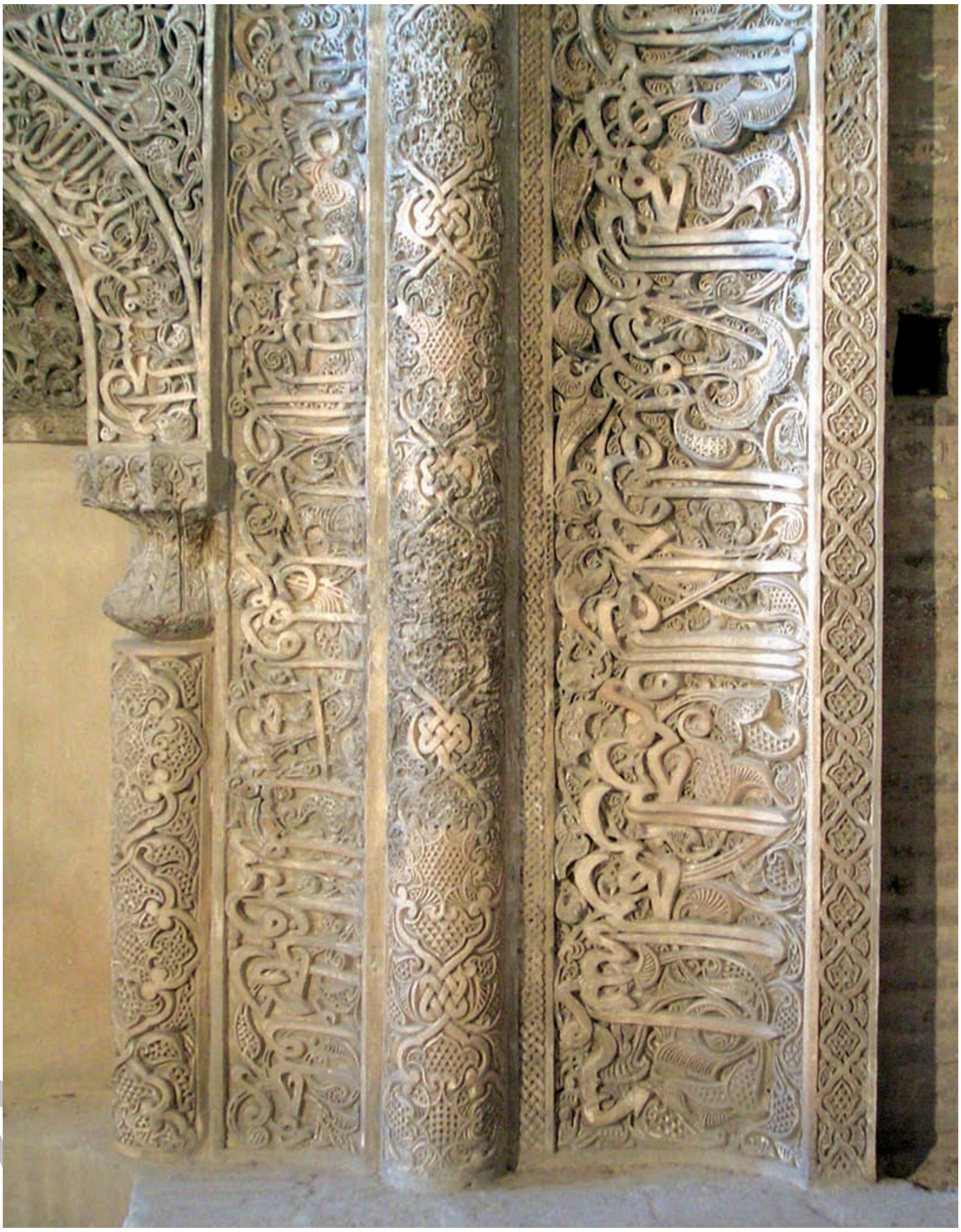

تصویر۲- قسمتی از حاشیه نخست و طاق نمای محراب الجاتیو به خط ثلث، گچ بری، مسجد جامع اصفهان، سده هشتم هجری قمری، ماخذ تصویر: نگارنده.

کتیبه بسیار موثر است. اگر نمونه هایی از اسلوب های مختلف اجرایی کتیبه های ثلث را درنظر بگیریم تفاوتی در شیوه نوشتار این کتیبه ها مشاهده نمی شود.

مثلا کتیبه سنگی ابراهیم سلطان در آرامگاه حضرت علی بن حمزه (ع) شیراز، کتیبه های کاشی معرق کمال بن شهاب در مقبره ابومسعود اصفهان، کتیبه گچ بری محراب الجایتو، کتیبه نقاشی روی گچ مسجد عتیق شیراز و غیره در نحوه کتابت مفردات و ترکیب بندی بسیار به هم شبیه هستند

و اگر تفاوت هایی هم مشاهده می شود بیش تر به میزان مهارت کتیبه نویس و گاه میزان مهارت سازنده کتیبه بستگی دارد. زیرا برخی از کتیبه های ثلث را کسانی نوشته اند که صنعت گر و سازنده کتیبه بودند و اغلب از مهارت کافی در خوشنویسی بی بهره، همانند مسعود کرمانی سازنده محراب مسجد کرمانی در تربت جام و احمد بن محمد آسنگ سازنده محراب مسجد توران پشت

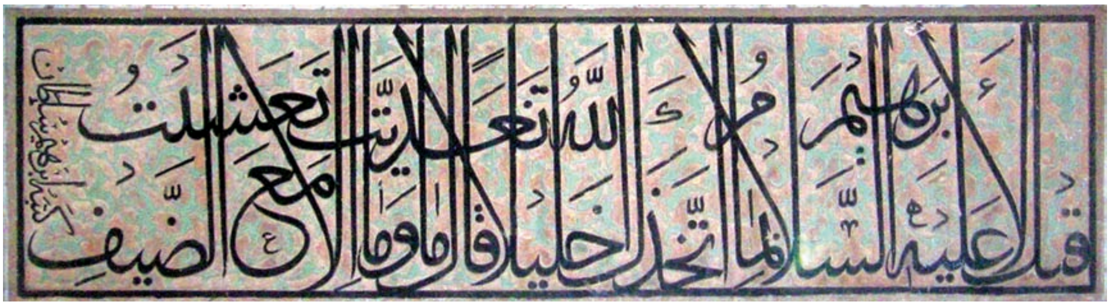

تصویر۳- کتیبه مدخل صحن، سنگ رنگ شده، مقبره علی بن حمزه، نگارش ابراهیم سلطان، سده نهم هجری، ماخذتصویر: نگارنده

و برخی از دیگر کتیبه ها را بزرگ ترین کتیبه نویسان و خوشنویسان آن دوره مانند ابراهیم سلطان و یحیی صوفی و بایسنقر نوشته اند.

بررسی ویژگی های خوشنویسی

در نمونه های بررسی شده از کتیبه های ثلث اغلب با دو گونه کتیبه سرو کار داریم یکی آن دسته که نویسنده یا طراح کتیبه خود سازنده آن بوده که در این آثار نشانی از نام کاتب به چشم نمی خورد و درعوض نام سازنده کتیبه با عنوان «عمل...» همراه است که معمولا خط این کتیبه ها از حیث خوشنویسی چندان مرغوب نیست و از گونه ای خط تحریری متاثر است؛ مانند کتیبه محرابی شبستان شرقی مسجد جامع اصفهان. در این اثر خط کتیبه اصلی محراب چندان مشخص نیست و ویژگی هایی متفاوت از قلم های مختلف را در خود دارد، مانند کتیبه محراب مسجد کرمانی. دسته دوم کتیبه هایی است که کاتب و نویسنده، سازنده آن نیست یا اگر هست وجه خوشنویسی را بر صنعت گری ارجح دانسته و در رقم کتیبه غالبا نام کاتب را همراه عباراتی هم چون «کتبه...» می بینیم. خط بیش تر این کتیبه ها از حیث خوشنویسی قابل توجه است و به دست خوشنویسان بزرگ آن عهد نوشته شده است. نمونه هایی فراوان از این دسته در آثار سده های هشتم و نهم وجود دارد مانند کتیبه مسجد گوهرشاد اثر بایسنقر، خانقاه ابوبکر تایبادی اثر جلال جعفر و مسجد عتیق شیراز اثر یحیی صوفی غیره.

اما در آثاری که به دست خوشنویسان کتابت شده تاثیر خوشنویسی بر کتیبه ها را بیش تر در نحوه کتابت مفردات باید جست. زیرا چنان که در آثار مشخص است ترکیب بندی اغلب کتیبه های ثلث به ویژه آثار سده هشتم هجری به بعد تفاوت هایی بنیادی با ترکیب بندی آثار خوشنویسی و کتابتی ثلث دارد.

مهم ترین تفاوت در چند طبقه بودن ترکیب بندی کتیبه هاست که در خوشنویسی معمولا چنین ترکیب بندی ای وجود ندارد. این ویژگی از مهم ترین ویژگی های کتیبه نگاری ثلث است. به نظر می رسد این ویژگی از اصول اصلی کتیبه نگاری در سده نهم هجری به شمار می رفته زیرا سراج شیرازی در رساله تحفه المحبین در ذیل معرفی قلم ها از قلم کتابه یاد کرده و برخی از قواعد کتابت آن را شرح داده است. از آن جمله عبارتی است که در این باره آورده است: «... وآن خط (کتابه) را شاید که بر بالای یکدیگر نویسند و در یک سطر جایز است که سه طبقه[۱] نوشته شود، و در هر طبقه رعایت کرسی به نوعی بنمایند که مخالف اصول و قاعده نشود، و باید که از اصول ثلث و محقق بیرون نباشد...».(شیرازی، ۱۳۷۶، ۱۴۵)

چنان که در متن آمده این قاعده در باره کتیبه نویسی ثلث و محقق قابل اجرا است. از این رو می توان آن را از اصولی دانست که منحصر به کتیبه نویسی مربوط می شود و در خوشنویسی به کار نمی رود.

چنانچه تحولات خط ثلث را در نظر بگیریم و جویای رابطه این تحولات با تحولات کتیبه نگاری باشیم می توان نتیجه گرفت که از زمان وضع قلم های ششگانه تا زمانی که نخستین نمونه های خط ثلث در کتیبه نگاری مشاهده شده بیش از یک قرن فاصله زمانی وجود دارد. این فاصله را باید مدتی دانست که این قلم ها در میان خوشنویسان و سپس کتیبه نگاران رواج یافت. البته برای این ادعا مستندات مکتوب نیزدر دست است. قاضی احمد قمی در گلستان هنر کتیبه نویسی و مثنی برداشتن را از اختراعات ابن بواب می داند.(قمی قاضی، ۱۳۶۳، ۹۹) و از آن جا که این بحث را در«در ذکر خط ثلث و مایشبه و پیدا شدن آن» مطرح کرده درباره خط ثلث صدق می کند. از زمان وضع قلم های ششگانه به دست ابن مقله تا وفات ابن بواب نیز حدود یک قرن تفاوت زمانی است. از سوی دیگر از آن جا که کتیبه های ثلث نخستین مانند کتیبه مسجد توران پشت کم تر به دست خوشنویسان ماهر کتابت شده و خط کتیبه ها را اغلب سازندگان کتیبه ها و صنعت گران نوشته اند پس بررسی تحولات این خط بر کتیبه نگاری تقریبا مقدور نیست زیرا کتیبه سازانی که بر اساس قواعد کتیبه نمی نوشتند از تحولات آن نیز بی خبر بودند و آن چه را دراین کتیبه ها می توان بررسی کرد بیش تر خط ثلث تحریری غالب بر این کتیبه هاست.

گفتنی است در آثاری که بررسی شد از آغاز سده هشتم نام خوشنویسان را در زمره کتیبه نگاران می بینیم. همچنین از همین زمان است که شمار کتیبه هایی که در آن ها قواعد

۱- این اصطلاح را گذشتگان برای سطور مختلف در یک کتیبه به کار می برند. هر طبقه یا سطر خود داری چند کرسی است.

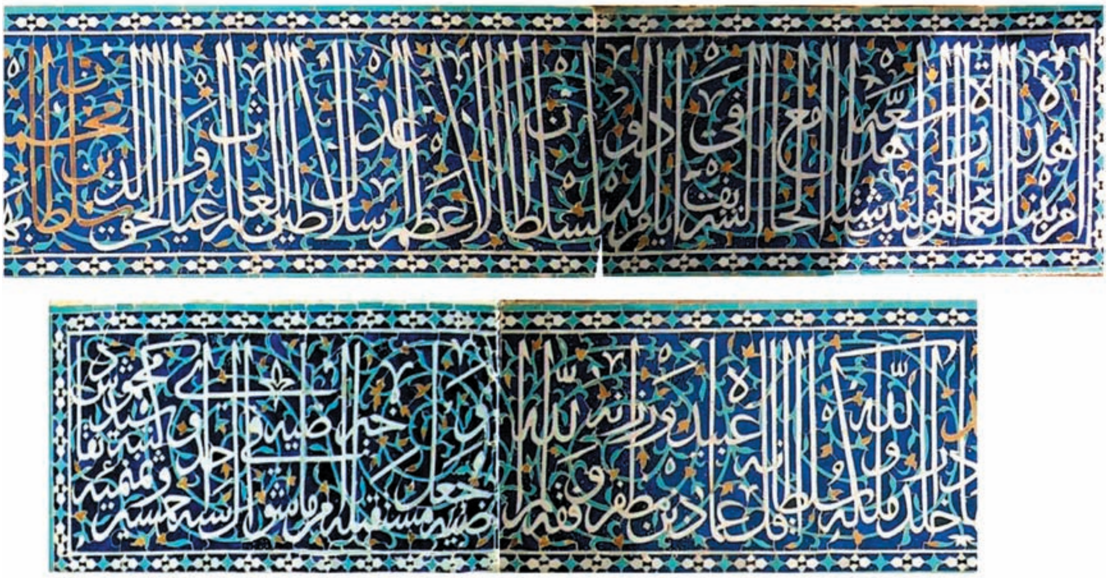

تصویر٤- کتیبه سر در بیت الشتاء به خط ثلث اثر سید محمود نقاش، کاشی معرق، مسجد جامع اصفهان، سده نهم هجری قمری، ماخذ تصویر: نگارنده

خوشنویسی به طرز نسبتا دقیقی افزایش پیدا کرده است.

از زمان ابن بواب یعنی آغاز سده پنجم هجری قمری تا یاقوت مستعصمی یعنی سده هفتم هجری قمری تحولی اساسی در نگارش قلم های ثلث و محقق روی نداد. اما از زمان یاقوت و رواج شیوه یاقوتی و نیز هم زمان با گسترش کار خوشنویسان در کتیبه نگاری تحولی اساسی در کار کتیبه نگاری ثلث مشاهده می شود. هرچند در سده هشتم هم چنان آثاری ساخته می شد که از حیث رعایت قواعد خوشنویسی چندان مورد توجه نیست، آثار زیادی هم وجود دارد که به دست خوشویسان نامی و با کیفیت عالی و گاه ممتاز کتابت شده است. در سده نهم اغلب کتیبه های بناهای مهم به دست مهم ترین خوشنویسان آن عصر نوشته شده است.

به این ترتیب اگر بخواهیم میزان تاثیر گذاری تحولات قلم ثلث را بر کتیبه نگاری بیان کنیم می توان گفت قدیمی ترین نمونه های کتیبه نگاری ثلث به حدود نیمه سده ششم می رسد[1] و نخستین کاربرد آن در کتابت رقم و گاه متن فرعی کتیبه ها بوده است. در شیوه کتابت این کتیبه ها بیش از هرچیز دور و پیچش خط رعایت شده و به قواعد اصلی خوشنویسی توجه نشده است. این آثار از نظر ترکیب بندی نیز به ترکیب بندی های کتابت شباهت کمی دارد.

یعنی نوشته ها اغلب در یک ردیف و یک طبقه است. اما از اواخر سده ششم به بعد که کاربرد خط کوفی در نگارش مصاحف رو به افول گذاشت و خط ثلث جایگزین آن شد؛ هم کاربرد این خط در کتابت متن اصلی کتیبه ها بیش تر شد و هم قواعدی برای کتیبه نویسی وضع شد. مهم ترین

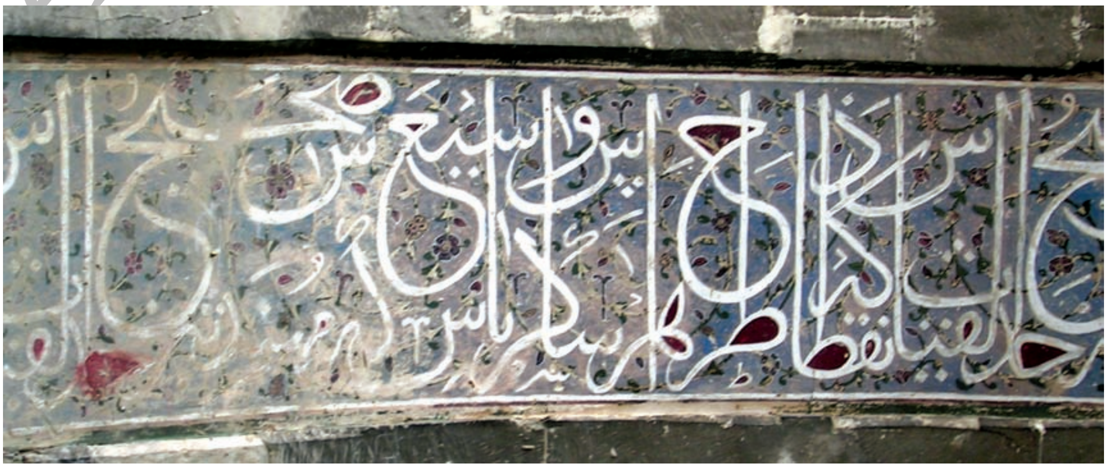

تصویر٥ - کتیبه نقاشی روی گچ از مسجد جلمع عتیق شیراز، احتمالا سده هشتم هجری قمری، ماخذ تصویر: نگارنده

---

[1] ۱-نمونه هایی پیش از این زمان نیز وجود دارد اما بیش تر این آثار را در کتیبه سنگ قبرها استفاده کرده اند که مورد بحث این تحقیق نیست. مثلا در ناحیه یزد سنگ قبرهایی مربوط به سده پنجم و اوایل سده ششم هجری قمری وجود دارد که در نوشتن متن آن ها از ثلث و گاه از نسخ تحریری بهره برده اند.

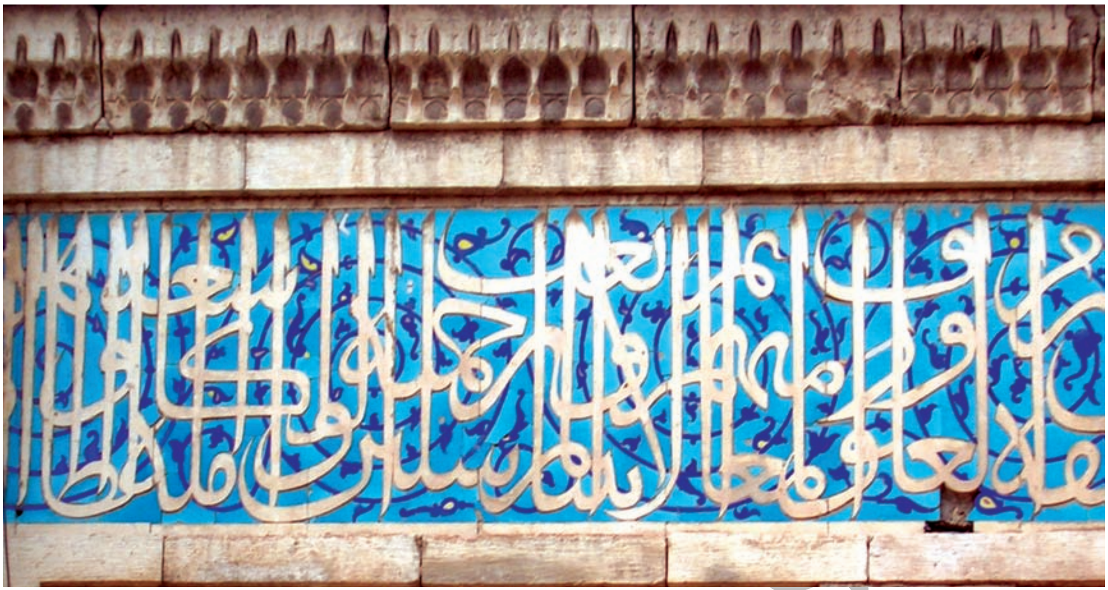

تصویر۶ -کتیبه ثلث ترکیب سنگ و کاشی از مسجد جلمع عتیق شیراز، به تاریخ ۷۵۲ هجری قمری، ماخذ تصویر: نگارنده

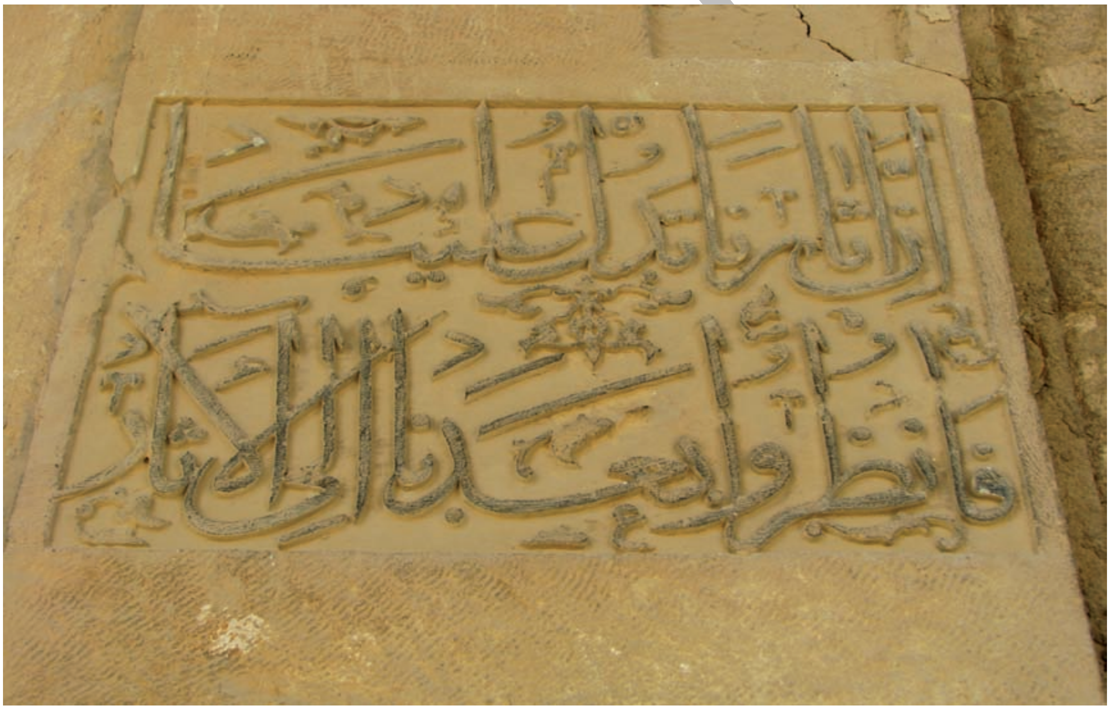

تصویر۷-کتیبه حجاری به خط ثلث بر جرز خدایخانه مسجدعتیق شیراز، نگارش پیرمحمد، سده نهم هجری قمری، ماخذ تصویر: نگارنده

تاثیرپذیری کتیبه نگاری ثلث از کتابت در نگارش مفردات است، زیرا مفردات خطوط ششگانه را یاقوت مستعصمی به درجه ای رساند که همه از او پیروی می کردند. و نیز شاگردان او بودند که هریک در نقطه ای از ایران بزرگ به رواج و گسترش شیوه او پرداختند. اما در شیوه ترکیب بندی کتیبه های سده هشتم به بعد گونه ای ترکیب بندی پدید آمد و تکامل یافت که در کتابت کاربردی نداشت یا اگر داشت چندان همگانی نبود و آن نوشتن متن کتیبه در چند طبقه است به طوری که در هر طبقه قواعد کرسی بندی ثلث رعایت شود. برای این کار لازم است که الف ها و حروف عمودی بلندتر از اندازه کتابتی باشد. پس وجه افتراق کتابت و کتیبه نگاری در این دوران همین نکته است وگرنه چنان که دیدیم از سده هشتم اغلب کتیبه نگاران خود مصحف نویس و خوشنویس بودند و قواعد خوشنویسی را در کتیبه نگاری نیز رعایت می کردند. این قواعد بیش تر در نگارش مفردات و کرسی بندی و حسن مجاورت حروف مشاهده

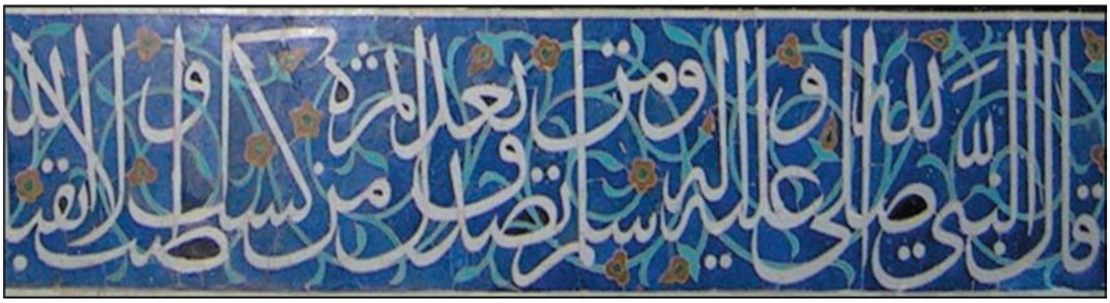

تصویر ۸- کتیبه کاشی معرق به خط ثلث، سر در مقبره ابو مسعود، سده نهم هجری قمری، ماخذ تصویر: نگارنده

می شود.

در جدول ۱ که مربوط به آثار سده های چهارم و پنجم هجری قمری می باشد تمام کتیبه ها به خط کوفی است، در جدول ۲ که آثار سده های شش و هفت را در برمی گیرد شمار آثار کوفی کاهش یافته و بر تعداد آثار ثلث و محقق افزوده شده است. در جدول ۳، از آثار سده های هشتم و نهم کم تر اثری وجود دارد که به خطی به جز ثلث کتابت شده باشد. اگر همین بررسی را در خوشنویسی انجام دهیم خواهیم دید که کتابت مصاحف به خط کوفی تا پایان سده ششم است و از سده هفت و به ویژه ظهور یاقوت مستعصمی و شاگردانش تقریبا تمام مصاحف به خط ثلث و محقق و ریحان و نسخ نوشته می شده و کتابت ترقیمه ها با رقاع و توقیع. از خط نسخ هم افزون بر کتابت قرآن در کتابت دیگر متون به سبب سهولت در نوشتن و خواندن استفاده می شد. از پایان سده ششم به طور قطع کاربرد خط کوفی به علت مشکلاتی که در کتابت و خواندن داشت، در مصحف نویسی دچار رکود شد و قلم های ششگانه جای آن را گرفت. از آغاز سده پنجم علی رغم استفاده خوشنویسانی هم چون ابن بواب و شاگردانش از قلم های ششگانه - به ویژه نسخ و ثلث و محقق- در کتابت، مصاحف از این خطوط تا آغاز سده هفت کم تر در کتیبه نگاری استفاده می شد، اگر هم شده برای متن هایی غیر اصلی و نه چندان مهم مانند رقم و تاریخ ساخت و غیره بوده است. این موضوع نشان می دهد که اگر آغاز سده ششم را زمان رواج قلم های ششگانه و به ویژه ثلث در میان خوشنویسان بدانیم تا زمان رواج تدریجی آن در نگارش کتیبه ها، یعنی اواسط سده هفتم حدود یک صد و پنجاه سال فاصله وجود دارد که نشانه دگرگونی های خوشنویسی تا تاثیرگذاری بر کتیبه نگاری نیازمند زمان است و نمی توان در این سال ها به دنبال اثرات آنی خوشنویسی بر کتیبه نگاری بود. این مساله نشان می دهد در این دوره – سده های چهار تا پایان سده شش و آغاز سده هفتم هجری قمری- هنوز خوشنویسان در کتیبه نگاری چندان دستی نداشتند و بیش تر کتیبه ها توسط کسانی نوشته شده که اغلب صنعت گر و سازنده کتیبه بودند. اما این نسبت در سده های هشت و نهم هجری قمری دگرگون شده و چنان که مشاهده شد بیش تر کتیبه نگاران، خوشنویسان چیره دست زمان خویش بودند و بی شک هر

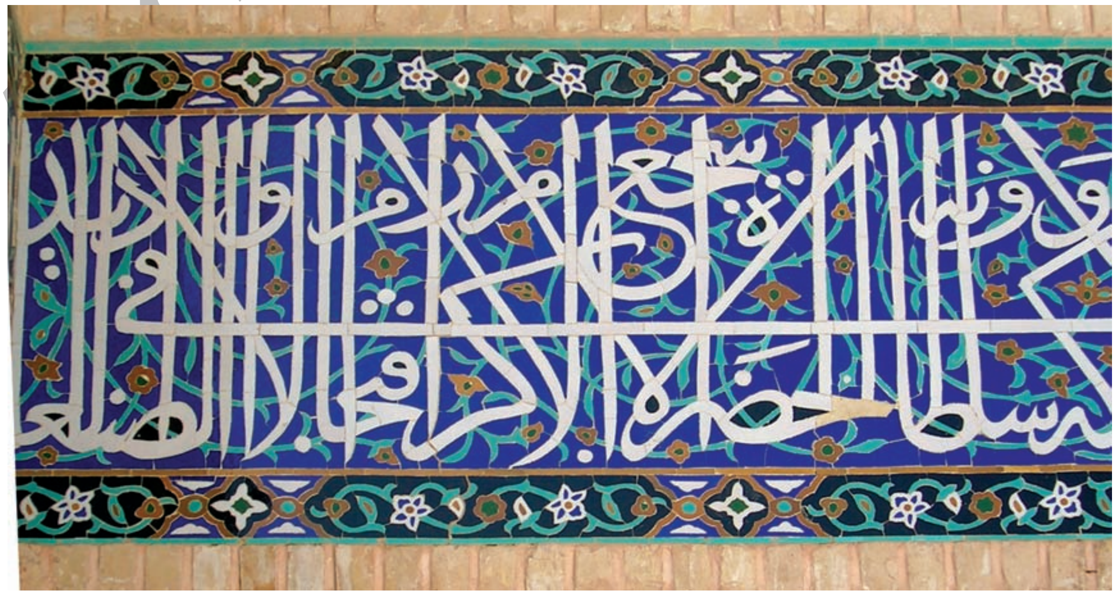

تصویر ۹ – کتیبه کاشی معرق به قلم ثلث که در دو طبقه نوشته شده و در هر طبقه قواعد کرسی بندی تا حدی رعایت شده است، سردر مسجد دربکوشک اصفهان، آغاز سده دهم هجری قمری، ماخذ تصویر: نگارنده

جدول۱- آثار سده چهارم و پنجم هجری قمری

ردیف	مکان	انواع خط				فن اجرا					تاریخ	کاتب سازنده
		کوفی	محقق ثلث	نسخ	رقاع تعلیق	گچبری	آجر سفال	نقاشی بر گچ	حجاری	کاشی		
۱	مسجدجامع نائین(محراب)	❊				❊					ق ۳۸۰	ندارد
۲	دیوار شبستان	❊						❊			ق ۵	ندارد
۳	تخت جمشید (عضدالدوله)	❊							❊		۳۳۴ ق	ندارد
۴	تخت جمشید (بهاء الدوله)	❊							❊		۳۹۲ق	ندارد
۵	بقعه دوازده امام	❊						❊			ق ۵	ندارد
۶	گنبد علی	❊					❊				۴۴۸ق	ندارد
۷	جامع کاشان	❊					❊				۴۶۶ق	ندارد
۸	مدرسه نظامیه	❊					❊				پس از ۴۵۵ ق	ندارد
۹	جامع اصفهان (گنبد نظام الملك)	❊					❊				۴۷۳ق	ندارد

جدول۲- آثار سده ششم و هفتم هجری قمری

ردیف	مکان	انواع خط				فن اجرا					تاریخ	کاتب سازنده
		کوفی	محقق ثلث	نسخ	رقاع تعلیق	گچبری	آجر سفال	نقاشی بر گچ	حجاری	کاشی		
۱	رباط شرف (محراب)	❊				❊					۵۴۹ق	ندارد
۲	(سر در)	❊					❊				»	ندارد
۳	مسجد توران پشت (محراب)	❊							❊		۵۴۹ق	احمد آسنگ
۴	(کتیبهٔ حاشیهٔ دو)		❊						❊		»	»
۵	(کتیبهٔ وسط)			❊					❊		»	»
۶	جامع اصفهان (سردر)	❊					❊				۵۱۵ق	ندارد
۷	(ایوان شرقی)	❊					❊				احتمالاً ق۶	ندارد
۸	حرم امام رضا (حاشیه ۱محراب)	❊								❊ زرینفام	۶۱۲ق	ابوزید ابوطاهر
۹	حرم امام رضا (حاشیه ۲محراب)		❊							»	»	»
۱۰	حرم امام رضا (حاشیه پائین)				❊					»	»	»
۱۱	جامع تبریز (محراب)	❊				❊					احتمالاً اواخر ق۷	ندارد
۱۲	جامع عتیق (تربت جام)		❊			❊					احتمالاً اواخر ق۷	ندارد
۱۳	جامع اصفهان شاه نشین ایوان شرقی	❊				❊					۶یا ۷	ندارد

جدول۳- آثار سده های هشتم و نهم هجری قمری

ردیف	مکان	انواع خط				فن اجرا					تاریخ	کاتب/ سازنده
		کوفی	محقق ثلث	نسخ	رقاع تعلیق	گچبری	آجر سفال	نقاشی بر گچ	حجاری	کاشی		
۱	محراب الجایتو حاشیه و طاق نما		❋			❋					۷۱۰ق	حیدر
۲	پیشانی محراب	❋				❋					»	»
۳	جامع ورامین سردر	❋					❋				۸ق	(احتمالاً علی قزوینی)
۴	« ایوان گنبدخانه		❋			❋					ق ۷۲۲	»
۵	« زیر گوشواره		❋			❋					ق ۷۲۶	»
۶	جامع اصفهان محراب گنبد خانه نظام الملک		❋							❋	۸ق	ندارد
۷	(ایوان جنوبی)		❋							❋	۸۸۰ق	ندارد
۸	سر در شبستان زمستانی		❋							❋	۸۵۱ق	محمود نقاش
۹	ایوان شرقی		❋			❋					۹/۸ق	ندارد
۱۰	ایوان شرقی (محراب)		❋							❋	ق ۷۷۸	علیکوهیار ابرقویی
۱۱	ایوان شرقی (محراب)		شبه محقق			❋					احتمالاً ق۸	ندارد
۱۲	گنبد خانه مزار (تربت جام)		❋					❋			۷۳۶ق	ندارد
۱۳	گنبد سفید (تربت جام)		❋							❋	۸۴۴ق	ندارد
۱۴	مسجد کرمانی		شبه ثلث			❋					۷۱۲ق	مسعود کرمانی
۱۵	محراب امامزاده ربیع خاتون		❋			❋					۷۰۸ق	»
۱۶	گنبد فیروز شاهی		❋							❋	۸۴۴ق	ندارد
۱۷	گنبد سلطانیه (تربت خانه)		❋					❋			۷۱۰ق	ندارد
۱۸	گنبد سلطانیه (گنبد خانه)		❋					❋			۷۱۰ق	ندارد
۱۹	گنبد سلطانیه (ایوان شرقی)	❋					❋				۷۱۳ق	ندارد
۲۰	جامع یزد (محراب)		❋							❋	۸۶۳ق	کمال بن شهاب
۲۱	جامع یزد (دهلیز ورودی)		❋						❋		۸۷۵ق	کمال بن شهاب
۲۲	جامع یزد (دور صحن)		❋							❋	بی تاریخ	بهاء الدین هزارسپ
۲۳	جامع یزد (محراب)		❋							❋	”	احتمالاً کمال بن شهاب
۲۴	مدرسه رکنیه (گنبد)		❋					❋			پس از ۷۳۳ق	ندارد
۲۵	مدرسه رکنیه گنبد	❋						❋			”	ندارد
۲۶	مدرسه رکنیه (زیر گنبد)	❋						❋			”	ندارد
۲۷	مدرسه رکنیه محراب		❋			❋					”	ندارد
۲۸	مدرسه رکنیه (زیر گوشواره)		❋					❋			”	ندارد
۲۹	مدرسه‌رکنیه‌طاق‌نمای تزئینی		❋					❋			”	ندارد

ادامه جدول۳

ردیف	مکان	انواع خط				فن اجرا					تاریخ	کاتب سازنده
		کوفی	محقق ثلث	نسخ	رقاع تعلیق	گچبری	آجر سفال	نقاشی برگچ	حجاری	کاشی		
۳۰	عتیق شیراز خدایخانه		❊						❊	❊	۷۵۲ق	یحیی صوفی
۳۱	عتیق شیراز جرز خدایخانه		❊						❊		بی تاریخ	محمد
۳۲	علی بن حمزه		❊						❊		ق۹	ابراهیم سلطان
۳۳	آرامگاه شاد ملک آقا				❊					❊	۷۳۳ق	ندارد
۳۴	آرامگاه خواجه احمد		❊							❊	ق۸	ندارد
۳۵	آرامگاه محمد سلطان		❊							❊	۸۰۵ق	ندارد
۳۶	مسجد مولانای تایباد		❊							❊	ق۹	جلال جعفر
۳۷	مدرسه غیاثیه		❊							❊	۸۴۱قتا۸۴۸	جلال جعفر
۳۸	سر در زاویه دربکوشک		❊							❊	ق ۹۰۲	معین منشی
۳۹	مسجد کبود		❊							❊	۸۰۷ق	محمد ابن ابواب
۴۰	مسجد گوهرشاد		❊							❊	۸۲۱ق	بایسنقر
۴۱	مقبره ابومسعود		❊							❊	۸۹۵ق	کمال بن شهاب

نتیجه

برای کتیبه نگاری و خوشنویسی در جای خود و به طور مستقل تحولاتی وجود داشته که قابل بررسی است اما تاثیر پذیری کتیبه نگاری از خوشنویسی در قلم های مختلف با هم تفاوت دارد. درباره قلم ثلث که موضوع این پژوهش است می توان گفت به استناد آثار بررسی شده اگر نیمه سده ششم هجری قمری را آغاز کاربری قلم ثلث در کتیبه نگاری بدانیم آن گاه باید گفت قلم ثلث در کتیبه نگاری تحولاتی مشابه با خوشنویسی داشته است. تنها برخی آثار نخستین این حوزه تا اواخر سده هفتم هجری و شماری از آثار سده هشتم هجری قمری از نظر کتابت در برخی از ویژگی ها هم چون رعایت قواعد نگارش مفردات چندان دقیق و بر اساس قواعد خوشنویسی نبود و علت اصلی آن این است که خط این گونه آثار را نه خوشنویسان که کتیبه سازان و صنعت گران می نوشتند که به علت عدم مهارت در نگارش مفردات و احتمالا به دلیل عدم مهارت در اجرای فنی، از رعایت برخی قواعد غفلت شده است. اما در سده های هشت و نهم این مساله تا حد زیادی رفع شد و چنان که دیدیم بسیاری از کتیبه های مهم این دوره به دست خوشنویسان مشهور آن عصر نوشته شده است. از سوی دیگر به نظر می رسد در آثار سده های هشتم و نهم هجری قمری قواعدی ویژه برای نگارش کتیبه های ثلث وضع شده است، زیرا بیش تر کتیبه های ثلث کتابت شده در این سده بر دو یا سه طبقه نگارش یافته و چنین قاعده ای در کتابت و خوشنویسی رواج نداشت و از ویژگی های خاص کتیبه نگاری ثلث آن دوره شد. اما در رعایت جزییات مفردات هم چنان بر اساس قواعد خوشنویسی انجام می شد مگر طول حروف عمودی که در کتیبه نگاری بلندتر از خوشنویسی نوشته می شد.

منابع و ماخذ

افشار، ایرج ، یادگارهای یزد.

بهروزی، علی نقی، تاریخچه ساختمان و شرح آثار تاریخی و هنری مسجد جامع شیراز، اداره کل فرهنگ و هنر استان فارس، شیراز، ١٣٤٢.

دهخدا،علی اکبر، لغت نامه، دانشگاه تهران، ١٣٦٣ .

دهلوی غلام‌محمد، تذکره خوشنویسان، تهران، روزنه، ١٣٧٣.

سراج شیرازی یعقوب بن حسن، تحفه المحبین، تهران، نقطه، ١٣٧٦.

عالی افندی مصطفی ، مناقب هنروران، ترجمۀ توفیق هاشم‌پور سبحانی، تهران، سروش، ١٣٦٩.

فضایلی جبیب اله، اطلس خط (تحقیق در خطوط اسلامی) ، چاپ دوم ، مشعل، اصفهان ، ١٣٦٢ .

قوچانی عبدالله، بررسی کتیبه های بناهای یزد، سازمان میراث فرهنگی، چاپ نخست، تهران، ١٣٨١.

احمد قمی قاضی، احمد، گلستان هنر، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران، کتابخانه منوچهری، ١٣٦٦.

قلیچ خانی حمیدرضا، رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته، تهران، روزنه، ١٣٧٣. هفت قلمی

گرابر اولگ، هیل درک، معماری و تزیینات اسلامی، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، علمی فرهنگی، چاپ اول، تهران،١٣٧٥.

مکتب اصفهان، به کوشش مهدی صحراگرد، فرهنگستان هنر، تهران، ١٣٨٦.

مکی نژاد مهدی، گونه شناسی کتیبه ها در معماری مکتب اصفهان در : مجموعه مقالات خوشنویسی

ملازاده کاظم، مساجد تاریخی، سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری، چاپ نخست، تهران، ١٣٧٩.

مشکوتی نصرالله، فهرست بناها و اماکن باستانی ایران، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، تهران،١٣٤٥.

ویلبر دونالد، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ نخست، تهران، ١٣٤٦.

هراتی محمدمهدی، تجلی هنر در کتابت بسم الله، آستان قدس رضوی، چاپ نخست، مشهد، ١٣٦٧.

هروی مایل، غلامرضا. لغات و اصطلاحات فن کتابسازی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ١٣٥٣.

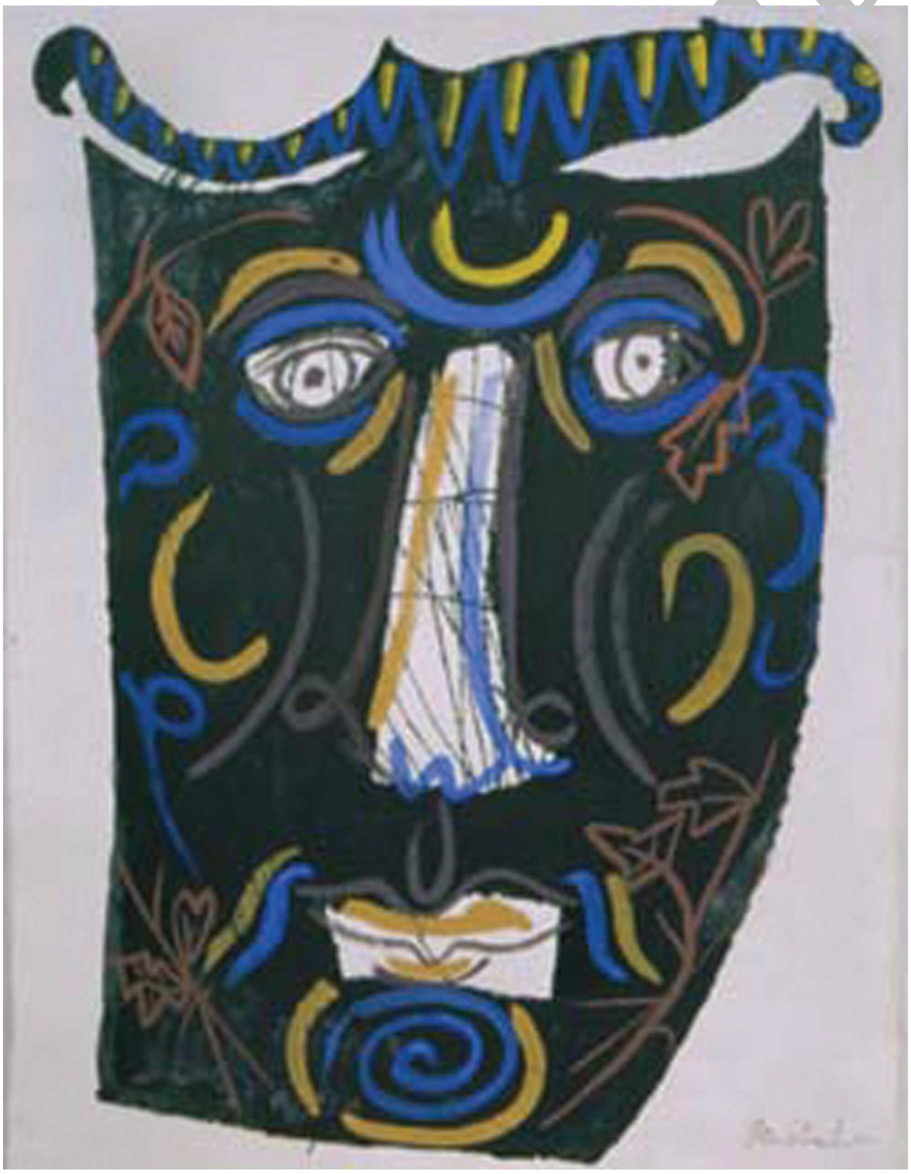

اثری از یکی از بیماران روانی
به نام هوشنگ . ر